

اعمال اصل صلاحیت بر صلاحیت در داوری پذیری دعاوی، بررسی تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا

مجتبی جهانیان^۱، مرتضی شهبازی نیا^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، البرز، ایران

۲. دانشیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸

دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۹

چکیده

مفهوم گسترده داوری پذیری در حقوق آمریکا، شمول قرارداد داوری نسبت به موضوع اختلاف و همچنین قابلیت ارجاع موضوع مورد اختلاف به نهاد داوری را دربر می‌گیرد. قانونگذار برخی از دعاوی را منطبق بر مصالح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه از ارجاع به داوری منع می‌کند. اصل «صلاحیت بر صلاحیت» به مرجع داوری اختیار می‌دهد تا نسبت به ایراد به صلاحیت داور ناشی از اعتبار و قلمرو موافقتنامه داوری و داوری پذیری موضوع اختلاف اظهار نظر کند. قانون داوری فدرال صراحتاً به اصل صلاحیت بر صلاحیت تصریح نکرده اما رویه قضایی آمریکا اصل استقلال شرط داوری و همچنین مصادیقی از اختیار داوران در تعیین صلاحیت خود را پذیرفته است. به موجب قانون داوری متحدالشکل اصلاحی^۱ رفع اختلاف راجع به وجود قرارداد داوری و همچنین شمول موضوع در قرارداد داوری، اصولاً در صلاحیت دادگاه است. قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران ضمن پذیرش

Email: shahbazinia@modares.ac.ir

* نویسنده مسؤول مقاله:

۱. revised uniform arbitration act (RUAA), 2000

اصل استقلال شرط داوری، مقرر داشته است که داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند. در داوری داخلی گرچه مخالفان اصل مذکور به ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی استناد می‌کند، اما می‌توان قصد ضمنی طرفین را به عنوان مبنایی در قبول صلاحیت داوران در تعیین صلاحیت خود عنوان کرد.

واژگان کلیدی: شرط داوری، داوری پذیری، صلاحیت.

۱. مقدمه

اغلب نویسندگان داوری پذیری را به دو جنبه موضوعی^۱ و شخصی^۲ تقسیم می‌کنند. اصولاً اراده طرفین در ارجاع موضوعی خاص به داوری می‌بایست مورد تأیید قرار گیرد. با این حال این اراده زمانی مورد احترام قانونگذار می‌باشد که به صورت صحیح و کامل بوده و شخص اعم از شخص حقیقی، شخص حقوقی و دولت، اختیار یا توانایی انعقاد قرارداد داوری را داشته باشد؛ لذا در صورتی که شخص توانایی یا اجازه انعقاد چنین قراردادی را نداشته باشد، نمی‌تواند در مورد ارجاع موضوع به داوری توافق کند؛ زیرا قرارداد مزبور از نظر شخصی قابلیت داوری ندارد. در مقابل، داوری پذیری موضوعی مؤید آنست که حقوق داخلی کشورها بنا بر مصالح اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ارجاع برخی دعاوی به داوری را منع کرده است. عدم قابلیت ارجاع دعاوی به داوری یا ناشی از عدم شمول توافق طرفین نسبت به موضوع مورد اختلاف است و یا آنکه اساساً این موضوع به دلیل محدودیت‌های ناشی از نظم عمومی یا طبیعت خاص موضوع، قابل ارجاع به داوری نیست. در هر دو صورت، داوری پذیری، موضوعی مرتبط با صلاحیت مرجع داوری در رسیدگی به آن

۱. Objective Arbitrability (or *ratione materiae*)

۲. Subjective Arbitrability (or *ratione personae*)



موضوع خاص است (Lehman, 2004, p. 755). لذا در حقوق کشورهای مختلف این سؤال مطرح می‌شود که آیا مرجع داوری صلاحیت تعیین صلاحیت خود را دارد یا این امر در صلاحیت مرجع قضایی می‌باشد؟ اختیار مرجع داوری در تعیین صلاحیت خود یا در تعیین قابلیت داوری یک موضوع ناشی از طبیعت موافق نامه داوری بوده و توسط اصل استقلال شرط داوری نیز حمایت می‌شود. در این تحقیق، پس از تبیین مفهوم اصل صلاحیت بر صلاحیت، جایگاه آن را در رویه قضایی آمریکا و حقوق ایران بررسی می‌کنیم.

۲. مفهوم و کارکرد اصل صلاحیت بر صلاحیت^۱

یکی از موضوعات مطرح در داوری پذیری دعاوی و تعیین مبانی آن، پاسخ به سؤال در خصوص مرجع صالح جهت تعیین قلمرو موافقتنامه داوری یا صلاحیت داوران نسبت به موضوع مورد اختلاف می‌باشد. اصل «صلاحیت بر صلاحیت» یا «صلاحیت در تعیین صلاحیت»^۲ یا «استقلال در اعلام صلاحیت داور»^۳ به مرجع داوری اختیار می‌دهد تا نسبت به ایراد به صلاحیت داور ناشی از اعتبار و قلمرو موافقتنامه داوری

۱. Competence-Competence.

در آلمان این مفهوم با اصطلاح “kompetenz-kompetenz” و در فرانسه با اصطلاح “competence sur le competence” شناخته می‌شود.

۲. “Competence to determine Competence”. See American Arbitration Association, (2010), p.577.

۳. برخی عبارت مزبور را پیشنهاد داده و عنوان کرده‌اند که «صلاحیت نسبت به صلاحیت» اثر و نتیجه قاعده «استقلال در اعلام صلاحیت» است و در تبیین بحث، بهتر است به منشأ و سبب توجه شود نه مسبب و اثر. لذا فارغ از اینکه این نزاع لفظی است و فاقد ثمره عملی می‌باشد، اصطلاح مزبور از لحاظ علمی بهتر می‌تواند مبین مبنای اظهارنظر داور نسبت به صلاحیت خود محسوب شود. ر.ک. خدابخشی، (۱۳۹۱)، ص ۲۹۹. and see Kawaru, A (2008), p. 240.

اظهارنظر کند (Carbonneau, 2007, p. 27; 2012, p.304).^۱ این اصل دارای دو کارکرد مثبت و منفی است. کارکرد مثبت این اصل منجر به اعطای صلاحیت به مرجع داورى در تعیین صلاحیت خود می‌شود. کارکرد منفی این اصل، صلاحیت دادگاه در بررسی و تعیین صلاحیت مرجع داورى را به زمان رسیدگی به تنفیذ و ابطال رأی داورى محدود می‌کند. لذا دادگاه نمی‌تواند در زمان داورى، نسبت به صلاحیت داوران و داورى پذیرى قرارداد یا موضوع ورود کند. در این خصوص مرجع داورى اولین مرجع بررسی صلاحیت خود است (Kronke, 2010, p. 95). اختیار مرجع داورى در تعیین صلاحیت خود یا در تعیین قابلیت داورى یک موضوع ناشی از طبیعت موافقتنامه داورى بوده و توسط اصل استقلال شرط داورى نیز حمایت می‌شود. به موجب اصل استقلال شرط داورى، این شرط موافقتنامه‌ای مستقل است؛ لذا در صورتی که ایرادی نسبت به قرارداد داورى مطرح شود، رسیدگی به اختلاف راجع به آن در صلاحیت مرجع داورى است.

مخالفین استقلال شرط داورى عقیده ندارند که شرط داورى از قرارداد داورى تبعیت می‌کند؛ بلکه معتقدند شرط داورى تابع قرارداد اصلی است. در صورتی که رأی به بطلان قرارداد داورى صادر شود، این فساد مانند همه قراردادهای به شروط ضمن آن از جمله شرط داورى نیز سرایت می‌کند. با توجه به اینکه طرفین تصمیم به نوشتن یک متن گرفته‌اند؛ لذا می‌بایست از وحدت قرارداد حمایت کرد. وحدت قرارداد اقتضا دارد که آن را به مثابه یک اثر حقوقی واحد تلقی کنیم و بطلان عقد را به منزله بطلان امکان رجوع به داورى بدانیم (مرکز داورى اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، ۱۳۸۸، ص ۱۴). موافقین اصل استقلال شرط داورى به دلیل نیازهای تجاری و

۱. "jurisdiction to rule on jurisdictional challenges involving the validity and scope of the arbitration agreement."

در آلمان این مفهوم با اصطلاح "kompetenz-kompetenz" و در فرانسه با اصطلاح "competence sur le competence" شناخته می‌شود.



مشکلات عملی ناشی از بطلان شرط، بطلان قرارداد اصلی را قابل تسری به شرط داوری نمی‌دانند. هدف از تشکیل قرارداد یا شرط داوری، امکان رسیدگی مرجع داوری به ادعای بطلان یا فسخ آن است؛ اما نظریه قرارداد واحد از این امر تبعیت نمی‌کند؛ لذا بر خلاف شروط دیگر که تابع عقد است، قصد و اراده طرفین اقتضا دارد که مرجع داوری امکان رسیدگی به اعتبار قرارداد اصلی را نیز داشته باشد و در فرض بطلان قرارداد اصلی، شرط داوری را معتبر بدانیم. حقوق کامن‌لا مبنای اصل مزبور را قصد ضمنی طرفین در ارجاع تمام اختلافات از جمله اعتبار قرارداد اصلی عنوان کرده است (اسکینی، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

۳. بررسی اصل در حقوق ایالات متحده آمریکا

۳-۱. رویه قضایی

روند پذیرش اصل صلاحیت در صلاحیت در رویه قضایی آمریکا تدریجی بوده و در حال حاضر نیز دادگاه‌های این کشور دیدگاهی متمایز از کشورهای دیگر برگزیده‌اند. گرچه رویه قضایی فدرال آمریکا این اصل را به رسمیت می‌شناسد، اما قاعده‌تاً این امر را در صلاحیت دادگاه می‌داند.^۱ سابقاً دادگاه‌ها این اختیار را داشتند تا در مورد تمامی مسائل داوری پذیری (قبل یا بعد از ارجاع امر به داوری) اظهارنظر کنند. در حال حاضر این امر به نفع مرجع داوری تغییر کرده است و مرجع داوری اختیارات وسیعی در این خصوص دارد. گرچه قانون داوری فدرال^۲ صراحتاً به اصل صلاحیت بر صلاحیت تصریح نکرده اما بررسی رویه قضایی آمریکا مبین آن است که دادگاه‌های این کشور اختیارات خاص مراجع داوری در

۱. در صورتی که قلمرو قرارداد داوری و شمول قرارداد نسبت به موضوع اختلاف محل تردید باشد، این امر به نفع داوری تفسیر می‌شود؛ اما اگر نسبت به مرجع تصمیم‌گیری راجع به داوری‌پذیری اختلاف حادث شود، اصولاً این امر در صلاحیت دادگاه است؛ لذا در صورتی راجع به توافق طرفین در ارجاع داوری‌پذیری موضوع به داوری اختلاف حادث شود اصولاً دادگاه صلاحیت بررسی این توافق و احراز یا عدم احراز آن را دارد.

Kronke, H & et al, (2010), opcit, p. 275.

۲. Federal Arbitration Act

تعیین صلاحیت خود را تصدیق کرده‌اند (Born, 2009, P. 912). مهم‌ترین پرونده در این خصوص، دعوای معروف به «فرست آپشن آف شیکاگو علیه کاپالان» است.^۱ در این پرونده دیوان عالی مقرر کرد داوری پذیری یک موضوع منوط به توافق طرفین در ارجاع اختلاف به داوری است و طرفین می‌توانند در زمان امضای قرارداد داوری، داوری پذیری یک موضوع را نیز به تصمیم مرجع داوری واگذار کنند. در این پرونده قاضی «بریر»^۲ ضمن قبول استدلال شرکت فرست آپشن عنوان کرد که «در صورتی که طرفین موضوع را به عهده داوران قرارداده باشند، دادگاه می‌بایست به تصمیم داوران راجع به داوری پذیری موضوع احترام بگذارد» (Ibid). به موجب این پرونده اراده طرفین در انعقاد قرارداد داوری ملاک است و این اراده صرفنظر از انعقاد قرارداد داوری، می‌تواند موضوعاتی را از شمول داوری استثناء کند؛ لذا پس از دعوای فرست آپشن، معنای داوری پذیری به شمول موضوع اختلاف در توافقنامه داوری نیز اطلاق شد (Reisberg, 2009, p. 160). به عبارت دیگر سؤال راجع به اینکه چه کسی صلاحیت اظهارنظر در مورد صلاحیت داوران را دارد تبدیل به تفسیر توافق طرفین در این خصوص شد؛ لذا این امر موضوعی مرتبط با تفسیر قرارداد یا وجود توافق در این خصوص بوده که اصولاً در صلاحیت دادگاه است. «بریر» قاضی صادرکننده رأی مزبور عنوان کرد که «دادگاه‌ها نباید فرض کنند که طرفین توافق بر داوری پذیری کرده‌اند؛ مگر آنکه دلیل واضح و غیر قابل خدشه‌ای مبنی بر این امر وجود داشته باشد».^۳ زیرا وادار کردن طرفین قرارداد به پذیرش داوری موضوعی که نسبت به آن توافق نکرده‌اند غیر منصفانه است. نظریه دادگاه عالی در پرونده فرست آپشن، در دعوای مشابه دیگری از جمله دعوای «پاسیفیکر هلس سیستم علیه بوک»^۴ و دعوای «گرین تری فاینانشال کورپ علیه بازل»^۱ نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

۱. First Options of Chicago, Inc. v. Kaplan. 514 U.S. 938 (1995). Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/514/938/>.

۲. Breyer.

۳. First Options, 514 U.S. p. 945.

۴. PacifiCare Health Systems, Inc. v. Book 538 U.S. 401 (2003). Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/538/401/>



در پرونده «هاسام علیه دین ویتز رینالدز»^۲ نیز دادگاه ضمن تأیید اصل مذکور در پرونده «فرست آپشن» مقرر کرد که رسیدگی به داوری پذیری قراردادی، موضوعی قضایی است؛ مگر آنکه طرفین به صورت صریح خلاف آن را توافق کنند. با این حال دادگاه این نظریه را که هرگونه سؤال در این خصوص امری مرتبط با داوری پذیری می‌باشد، رد کرد. به عبارت دیگر مفهوم داوری پذیری در این خصوص امری مضیق است و می‌بایست به صورت محدود تفسیر شود؛ لذا نمی‌توان هرگونه ابهام در خصوص قرارداد را امری مرتبط با داوری پذیری محسوب کرده و رفع ابهام از آن را در صلاحیت دادگاه دانست. ابهام در خصوص وجود قرارداد و همچنین قلمرو قرارداد داوری از جمله مواردی است که می‌توان به عنوان داوری پذیری محسوب کرد؛ اما دیگر موارد را نمی‌توان مشمول عنوان داوری پذیری و در نتیجه در صلاحیت دادگاه دانست. بنابراین با توجه به مضیق بودن موضوعات مشمول عنوان داوری پذیری، قاعدتاً پاسخ به «سؤال‌های شکلی»^۳ در صلاحیت مرجع داوری است. (Ibid) در مجموع رأی صادره در این پرونده، داوری پذیری موضوعی را از داوری پذیری شکلی تفکیک کرد، به نحوی که رفع اختلافات راجع به امور شکلی را در صلاحیت داور و پاسخ به سؤالات راجع به امور ماهوی قرارداد را به مرجع قضایی واگذار کرد.^۴

۱. Green Tree Financial Corp. V. Bazzle (02-634) 539 U.S. 444 (2003). Available at: <https://www.law.cornell.edu/supct/html/02-634.ZO.html>.

۲. Howsam v. Dean Witter Reynolds, Inc. 537 U.S. 79 (2002). Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/537/79/case.html>

۳. Procedural question.

۴. این پرونده به عنوان پرونده‌ای کلیدی در زمینه آرای داوری شناخته شده و برخی مولفان عنوان مقالات خود را به این امر اختصاص داده‌اند. به عنوان مثال رک: Coyle, M. (2002), 'A Key Arbitration Case Before High Court', N.L.J., A 1, col. 4. See American Arbitration Association, opcit, p. 76.

برخی از آرای صادره در رویه قضایی آمریکا مؤید عدم قطعیت اصل استقلال شرط داوری و اصل صلاحیت بر صلاحیت است. به عنوان مثال در پرونده «ویل دریل ریسورس»^۱ دادگاه معتقد بود در صورتی که یکی از طرفین به وجود قرارداد (صرفنظر از اعتبار یا عدم اعتبار آن) ایراد کند، مرجع قضایی می‌بایست در این خصوص اظهارنظر کند. بر این اساس دادگاه تجدیدنظر معتقد بود «در صورتی که طرفین اقدام به انعقاد قراردادی کنند که حاوی شرط داوری باشد، تصمیم‌گیری در خصوص هرگونه ادعا راجع به اعتبار یا عدم اعتبار قرارداد، در صلاحیت مرجع داوری است. صرفاً زمانی که شرط داوری به صورت مستقل مورد چالش واقع شده و به آن ایراد شود، دادگاه می‌تواند نسبت به آن تصمیم‌گیری کند». به اعتقاد دادگاه تجدیدنظر، مبنای رجوع به رأی دادگاه آنست که ملزم کردن یکی از طرفین جهت رجوع به داوری راجع به قراردادی که وجود آن محل تردید است، امری غیرمنصفانه است. اصل استقلال شرط داوری نیز زمانی قابل اتکا است که اصل قرارداد وجود داشته باشد؛ لذا در صورتی که نسبت به وجود اصل قرارداد ایراد شود، نمی‌توان تصمیم‌گیری راجع به آن را به مرجع داوری واگذار کرد (Ibid).

در پرونده «بوکی چک کشینگ»^۲ که یکی از پرونده‌های جدید در این خصوص می‌باشد دادگاه اختلاف راجع به قرارداد داوری و اختلاف راجع به اصل قرارداد را تفکیک کرد؛ به این نحو که با توجه به اصل استقلال شرط داوری که پیش از این در پرونده «پریم پینت» ذکر شد در صورتی که قرارداد به هر علتی باطل باشد، شرط داوری صحیح است و داور می‌بایست نسبت به موضوع اظهارنظر کند، لذا در صورتی که خواهان، خواستار رسیدگی دادگاه به موضوع اختلاف باشد می‌بایست

۱. Will- Drill Resources, Inc. v. Samson Resources Co., 352 F.3d 211 (5th Cir. 2003). Available at: <http://caselaw.findlaw.com/us-5th-circuit/1173613.html>

۲. Buckeye Check Cashing, Inc. v. Cardegna 546 U.S. 440 (2006) Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/546/440/>



اصل شرط داوری را به چالش بکشاند. همچنین دادگاه مزبور ضمن تفکیک ایراد به وجود قرارداد و ایراد به اعتبار قرارداد عنوان کرد که «اعتبار قرارداد موجود با وجود قرارداد، امری متمایز می‌باشد. نظر امروز دادگاه صرفاً نسبت به موضوع اول بوده و مشمول موضوع دوم که محل بحث خوانده است نمی‌باشد ... زیرا این امر که طرف دعوا قرارداد را امضا کرده یا اینکه امضاکننده فاقد اختیار در انعقاد قرارداد اصلی یا فاقد اهلیت رضایت بوده، در صلاحیت دادگاه می‌باشد». در نتیجه رأی دادگاه مزبور، زمانی که در سال ۲۰۱۰ پرونده «رنت - اسنتر»^۱ مطرح شد دادگاه با دو دیدگاه در حل اختلاف و پاسخ به سؤال راجع به امکان اظهارنظر داور نسبت به داوری پذیری مواجه شد. مطابق دیدگاه مذکور در پرونده‌های «پریم پینت» و «بوکی»، دادگاه زمانی صلاحیت ورود به این امر را دارد که توافق نامه داوری به چالش کشیده شود. از سوی دیگر مطابق رأی صادره در پرونده «فرست آپشن»، اصولاً دادگاه صلاحیت اظهارنظر در مورد داوری پذیری را دارد؛ مگر آنکه طرفین به صورت واضح این امر را به داوری ارجاع کرده باشند؛ لذا دادگاه رسیدگی کننده به پرونده «رنت - اسنتر» می‌بایست بر مبنای رویه قضایی موجود، یکی از دیدگاه‌های مذکور را پذیرفته و بر این مبنا عمل می‌کرد. دادگاه ایالتی مقرر کرد با توجه به اینکه خواهان اصل قرارداد را به چالش کشیده لذا بررسی داوری پذیری موضوع به عهده مرجع داوری است نه دادگاه. پس از اعتراض به این رأی، دادگاه تجدیدنظر آمریکا ضمن نقض رأی صادره مقرر کرد؛ گرچه قرارداد فی مابین، اختیار داوری نسبت به داوری پذیری موضوع را به داوران واگذار کرده است اما بررسی قابلیت اجرای اصل قرارداد که دارای شرط داوری است، در صلاحیت دادگاه می‌باشد. دیوان عالی ضمن رد نظر دادگاه تجدیدنظر مقرر کرد که با توجه به اینکه جکسون به شرط ارجاع به

۱. Rent-A-Center, West, Inc. v. Jackson 561 U.S. 63 (2010) Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/561/63/>

داوری اعتراض نکرده است، لذا دادگاه می‌بایست این شرط را مستقل، معتبر و لازم الاجرا فرض کند. بر این مبنا، مرجع داور می‌تواند نسبت به داور پذیرای و حدود صلاحیت خود اظهار نظر کند (Ibid).

بررسی رویه قضایی آمریکا مؤید آنست که اصل مندرج در پرونده فیرست آپشن در حال اصلاح بوده و دادگاهها بر مبنای سیاست قانون داور فدرال در حمایت از داور و مقتضیات موجود و اصل حاکمیت اراده، نقشی زیادی را به داور یا داوران در تعیین حدود قرارداد داور و داور پذیرای آن محول کرده‌اند. به عبارت دیگر رویه قضایی آمریکا سعی در ایجاد تعادل در نقش دادگاه و داور نسبت به این سؤال کلیدی داشته است.

۲-۳. قوانین داور

اگرچه قانون داور فدرال آمریکا مصوب سال ۱۹۲۵ است، اما هیچ یک از اصول مورد بحث صراحتاً در آن ذکر نگردیده است (Mistelis & Brekoulakis, 2009, p. 148). در حالی که اصل استقلال شرط داور پنجاه سال پیش توسط رویه قضایی تأسیس شد، اصل صلاحیت بر صلاحیت روندی آهسته را طی کرده و اخیراً به صورت واضح و آشکار مورد پذیرش قرار گرفته است (Graves, & Davydan, 2011, p. 158). همانطور که قانون داور فدرال به اصول مذکور اشاره‌ای نکرده است، نمی‌توان آن‌ها را در قانون داور متحدالشکل^۱ نیز مشاهده کرد (Brunet, E & Et al 2006, p. 56). مطابق بند اول ماده ۲ این قانون، در صورتی که یکی از طرفین ضمن انکار قرارداد داور، با داور مخالفت نماید، دادگاه می‌بایست سریعاً نسبت به این امر ورود کند و در صورت وجود قرارداد، طرفین را اجبار به داور کند. همچنین

۱. Uniform Arbitration Act (UAA).



به موجب این قانون، دادگاه می‌تواند موضوع داور را بازبینی کند؛ اما بررسی داور پذیرای موضوعات (برخلاف وجود قرارداد داور) در صلاحیت مرجع داور است.^۱ قانون داور متحدالشکل که در سال ۲۰۰۰ اصلاح شد. بررسی داور پذیرای قراردادی به معنای وجود قرارداد داور و شمول قرارداد نسبت به اختلاف را به دادگاه واگذار کرده است. با این وجود اظهار نظر در خصوص قابل اجرا بودن قرارداد حاوی شرط داور یا احراز شرایطی که برای داور پذیرای موضوع پیش نیاز است را به مرجع داور محول کرد.^۲ به عبارت دیگر مطابق این قانون دادگاه در مورد صلاحیت اظهار نظر کرده و مرجع داور نیز به تفسیر قرارداد می‌پردازد. اظهار نظر داور نسبت به صلاحیت خود به شکلی که در قوانین کشورهای دیگر و قوانین بین‌المللی ذکر شده و به عنوان نظریه صلاحیت بر صلاحیت شناخته می‌شود، در قوانین راجع به داور آمریکا منعکس نشده است (Carbonneau, 2010, p. 32).

قانون داور متحدالشکل اصلاحی که به عنوان قانون نمونه برای قانونگذاری در ایالات محسوب می‌شود، دارای موادی جامع‌تر راجع به موضوع صلاحیت در صلاحیت است. این امر از رویه قضایی مذکور نشأت گرفته و قانونگذار سعی در توجه به این آراء و تجمیع آن در قانونی جامع داشته است. در صورتی که توافقی نسبت به داور پذیرای وجود نداشته باشد،^۳ رفع اختلاف راجع به وجود قرارداد داور و همچنین شمول موضوع در قرارداد داور به عهده دادگاه است.^۴ با این

۱. Uniform Arbitration Act, 12(a)(5)

۲. Uniform Arbitration Act, 6(b)(c).

۳. به موجب بند اول ماده ۴ این قانون، طرفین می‌توانند خلاف مقررات داور پذیرای در این قانون، توافق کنند: RUAA, S. (4), (a). "Except as otherwise provided in subsections (b) and (c), a party to an agreement to arbitrate or to an arbitration proceeding may waive or, the parties may vary the effect of, the requirements of this [Act] to the extent permitted by law".

۴. RUAA, S. (6), (b) "The court shall decide whether an agreement to arbitrate exists or a controversy is subject to an agreement to arbitrate".

وجود در صورتی که یکی از طرفین نسبت به این امر ایراد کند، داوری متوقف نمی‌شود بلکه توقف داوری منوط به تصمیم دادگاه است. رفع اختلاف از سوی دادگاه نه تنها رویه غالب در ایالات بوده است بلکه سابقاً از سوی دادگاه عالی در پرونده «فرست آپشن» نیز مورد تأیید قرار گرفته است. با این وجود انجمن داوری آمریکا در قواعد داوری تجاری خود،^۱ بر خلاف این ماده، داوری پذیري موضوعی را در صلاحیت این مرجع قرار داده است.^۲ گرچه قواعد داوری انجمن، داوری پذیري را بر عهده انجمن و نه دادگاه قرار داده است اما این امر را می‌بایست به عنوان اراده ضمنی طرفین تعبیر کرد؛ زیرا طرفین ضمن ارجاع اختلاف خود به داوری انجمن، قواعد مصرحه این انجمن از جمله قاعده شماره ۷ را نیز پذیرفته و به آن توافق کرده‌اند.

قسمت سوم ماده ۶ قانون داوری متحدالشکل اصلاحی ضمن تفکیک صلاحیت، به مرجع داوری اختیار داده تا در خصوص وجود پیش شرط‌های داوری پذیري و همچنین قابلیت اجرای قرارداد حاوی شرط داوری تصمیم‌گیری نماید.^۳ تفکیک صلاحیت بین دادگاه و مرجع داوری که مورد تأیید برخی حقوقدانان نیز قرار گرفته،^۴ انعکاس نظریه غالب در رویه قضایی آمریکا است.^۵ از سوی دیگر کلام قانونگذار در این بند مبنی بر صلاحیت مرجع داوری در «تعیین قابلیت اجرای قرارداد حاوی شرط

۱. Available at: <https://www.adr.org/sites/default/files/Commercial%20Rules.pdf>

۲. “R-7. Jurisdiction

۳. RUAA, S. (6), (c). “An arbitrator shall decide whether a condition precedent to arbitrability has been fulfilled and whether a contract containing a valid agreement to arbitrate is enforceable.

(d) If a party to a judicial proceeding challenges the existence of, or claims that a controversy is not subject to, an agreement to arbitrate, the arbitration proceeding may continue pending final resolution of the issue by the court, unless the court otherwise orders”.

۴. American Arbitration Association, opcit, p. 81.

۵. به عنوان مثال در پرونده Howsam دادگاه مقرر کرد که موضوعات مرتبط با داوری پذیري شکلی به عهده مرجع داوری است.



داوری»، دلالت بر اصل استقلال شرط داوری مذکور در پرونده «پریما پینت» دارد. بر این اساس اکثریت دادگاه‌های ایالتی نوعی استقلال شرط داوری را قبول داشته و این امر در رویه قضایی دادگاه‌های ایالتی مشهود است.^۱

۴. بررسی اصل در حقوق ایران

همسو با تحول جهانی نسبت به اصل صلاحیت بر صلاحیت، در ایران نیز مباحث بسیاری راجع به آن وجود دارد. این مباحث از احکام مختلف قانون آیین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ناشی می‌شود. در خصوص صلاحیت داوران نسبت به اعلام صلاحیت خویش قانون داوری تجاری بین‌المللی ضمن پذیرش آن، در بند ۱ ماده ۱۶ قانون مزبور مقرر کرده که «داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند». ماده ۸ این قانون نیز با عنوان «موافقتنامه داوری و دعوای مطروحه نزد دادگاه» طرح دعوا در دادگاه را مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رأی داوری نمی‌داند. همچنین احکام مقرر در مواد دیگر از جمله بند ۳ ماده ۱۳ و بند ۳ ماده ۱۶ این قانون دلالت بر استقلال داور در رسیدگی دارد.

سابقاً در ماده ۶۳۶ قانون آیین دادرسی قدیم، قانونگذار ضمن پذیرش امکان توافق به داوری پیش از منازعه، حل اختلاف راجع به اصل معامله یا قرارداد داوری را در صلاحیت دادگاه دانسته بود. پس از تصویب قانون جدید در سال ۱۳۷۹، قانونگذار مجدداً به موجب ماده ۴۶۱ بر حکم سابق تأکید کرد. به موجب این ماده «هرگاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد، دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید». همچنین قانونگذار در بند ۷ ماده ۴۸۹ قانون مزبور که راجع به اسباب بطلان رأی داور است مقرر می‌دارد: «قرارداد رجوع به داوری بی-

۱. Old Republic Ins. Co. v. Lanier, 644 So. 2d 1258 (Ala. 1994). Available at: <https://www.courtlistener.com/opinion/1660290/old-republic-ins-co-v-lanier/>

اعتبار بوده باشد». مواد مزبور در کنار تحلیل حکم مقرر در قواعد عمومی قراردادها، منجر به این نتیجه می‌شود که بطلان قرارداد اصلی بر شرط داورى نیز مؤثر است و آن را از اعتبار ساقط می‌کند. برخی حقوقدانان ضمن تأیید وابستگی شرط داورى با عقد اصلی و سرایت فساد عقد اصلی به شرط، این ظاهر را تأیید کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج سوم، ص ۱۴۰-۱۴۱). اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۶۰۳۱-۱۳۷۵/۹/۲۴ ضمن استناد به این ماده، قائل به عدم وجود اصل استقلال شرط داورى در حقوق داخلی شده است.^۱ برخی حقوقدانان ضمن توجه به آثار و منافع عملی اصل استقلال شرط داورى، اعتبار شرط داورى پس از بطلان یا بی‌اعتباری قرارداد اصلی را امری ضروری دانسته‌اند. لذا ضمن نفی تعارض ماده ۴۶۱ قانون مزبور با اصل استقلال شرط داورى، این ماده را ناظر به جایی می‌دانند که موضوع دیگر نیز در کنار آن طرح و رسیدگی دادگاه، تبعی باشد (شمس، ۱۳۸۲، ص ۳۸ و ۳۱). استعمال واژه «اظهارنظر» به جای رأی و توجه به واژه «ابتدا» مؤید آنست که «اقامه دعوا یا حتی مراجعه مستقل به دادگاه برای اظهارنظر نسبت به موافقت نامه داورى مورد پیدا نمی‌نماید» (شمس، ۱۳۸۶، ص ۵۵۳). برخی نیز ضمن تعیین اراده مفروض طرفین و نیازهای عملی به عنوان مبانی پذیرش اصل استقلال شرط داورى، از تمایز قانونگذار در داورى داخلی و بین‌المللی انتقاد کرده و پیشنهاد اصلاح قانون در این خصوص را داده‌اند (اسکینی، پیشین، ص ۱۴). در تحلیل ماده مزبور و انطباق آن با اصل استقلال شرط داورى برخی نویسندگان ضمن رد ارتباط ماده مزبور به بحث استقلال شرط

۱. به موجب این نظریه «ارجاع امر به داورى موکول به احراز وجود اختلاف و تراضی طرفین به داورى می‌باشد. علی‌هذا اگر معامله‌ای به دلیل فسخ یا اقاله فسخ گردد و در نتیجه اصل معامله یا قرارداد از بین برود، بدیهی است شرط داورى پیش‌بینی شده در آن نیز مانند بقیه تعهدات و شروط از بین رفته است. مگر اینکه طرفین در مورد همین موضوع یعنی از بین رفتن اصل قرارداد یا معامله اختلاف داشته باشند که می‌بایست وفق ماده ۴۶۱ قانون رفتار گردد. و صرف درج شرط داورى در قراردادی که اصل آن فسخ یا اقاله شده و از بین رفته است، تکلیفی برای دادگاه جهت ارجاع امر به داورى نمی‌باشد».



داوری عنوان نموده‌اند «مفاد ماده ۶۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی صرفاً ناظر بر این است که هرگاه به صلاحیت داور (اعم از داور منفرد یا مرجع داور) اعتراض شود، آن داور نمی‌تواند به صلاحیت خود رسیدگی کند و ماده مذکور به هیچ وجه ناظر به استقلال موافقتنامه داور از قرارداد اصلی نیست» (جعفریان، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳).

همانطور که ذکر شد اصل استقلال شرط داور و اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت به‌رغم ارتباط، دو امر متمایز هستند. اصل استقلال شرط داور به این امر اشاره دارد که به‌رغم فساد قرارداد اصلی، شرط داور معتبر بوده و داور صلاحیت اتخاذ تصمیم نسبت به قرارداد را دارد. اصل صلاحیت بر صلاحیت به داور اختیار می‌دهد تا نسبت به صلاحیت خود از جمله شمول موضوع اختلاف در قرارداد داور و یا داور پذیرای یک موضوع اتخاذ تصمیم کند. در صورتی که اصل استقلال شرط داور را بپذیریم، این امر میسر است تا در مورد اعطای صلاحیت به داور جهت تعیین صلاحیت خود نیز بحث کنیم. اگر پیش از ارجاع امر به داور بررسی اعتبار قرارداد اصلی را به دادگاه واگذار کنیم، ارجاع اختلاف حاصل از قرارداد باطل به داور، امری لغو و بی‌ثمر بوده که با مبنای ایجاد نهاد داور در تعارض است.^۱ به هرحال همانطور که در حقوق آمریکا در پرونده «فرست آپشن» نیز مقرر شد، طرفین می‌توانند در قرارداد داور، ارجاع اختلاف ناشی از بطلان قرارداد اصلی را نیز به داور ارجاع کنند؛ لذا این امر تابع قصد طرفین است و طرفین می‌توانند بر مبنای الزامات عملی شرط مزبور را مستقل از قرارداد اصلی بدانند. محل اختلاف زمانی است

۱. همانطور که برخی از حقوقدانان عنوان کرده‌اند «درست است که ماده ۶۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی سابق و نیز ماده ۴۶۱ فعلی به نوعی به صلاحیت داور مبنی بر تشخیص صلاحیت خود مربوط می‌شود (یعنی اگر معلوم شود که قرارداد داور باطل است، معلوم می‌شود که داور صلاحیت رسیدگی ندارد و باید دادگاه قضایی صالح به اختلاف رسیدگی کند)، لیکن مواد مزبور در پی بیان وابستگی شرط داور به قرارداد اصلی نیز هستند، زیرا، اگر دادگاه، پس از رسیدگی تشخیص دهد که قرارداد اصلی معتبر نیست، به قرارداد داور نیز نباید توجه کند و در نتیجه نباید به انتخاب داور مبادرت کند، تا مثلاً داور به آثار ناشی از بطلان قرارداد اصلی رسیدگی کند». رک. اسکینی، (۱۳۸۳)، ص ۱۱.

که احراز قصد طرفین دشوار است و می‌بایست سکوت طرفین را تفسیر کرد. با توجه به اینکه در حال حاضر عرف مسلم جامعه حقوقی ایران دلالت بر استقلال شرط داوری دارد؛ لذا همانطور که برخی ادعا کرده‌اند، صرفاً زمانی می‌توان از ظاهر ماده ۴۶۱ قانون مذکور رهایی یافت که به شرط ضمنی طرفین حاصل از اطمینان عرفی به استقلال شرط داوری استناد کرد (خدابخشی، ۱۳۹۳، ص ۲۹۵-۲۹۶).

از دیدگاهی دیگر می‌توان قائل بر آن بود که ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی ارتباطی به قاعده صلاحیت بر صلاحیت ندارد. این نتیجه از تبیین تأثیر ممنوعیت ارجاع برخی از موضوعات بر قرارداد داوری حاصل می‌شود. بررسی برخی قوانین ملی و بین‌المللی مؤید آنست که داوری پذیری از شروط اعتبار قرارداد تفکیک شده است و صرفاً امری مرتبط به صلاحیت محسوب می‌شود. به عنوان مثال در حالی که ماده ۵(۱) الف) کنوانسیون نیویورک به اعتبار قرارداد داوری اختصاص یافته در مقابل عدم قابلیت ارجاع موضوع به داوری به عنوان مبنایی مستقل در اجرای رأی در ماده ۵(۲) الف) قید شده است. از سوی دیگر قرارداد داوری به عنوان قراردادی خاص دارای دو ویژگی قراردادی و قضایی است (Ibid, p. 101). قرارداد داوری نه تنها دارای مفهوم و محتوای قراردادی است، بلکه به دلیل تعیین مرجع صالح جهت حل اختلافات و ارجاع دعاوی به آن، دارای ماهیت قضایی و مرتبط با صلاحیت است. ویژگی دوگانه آن برخی حقوقدانان را بر آن داشته تا در این خصوص تمرکز کنند و عنوان مقالات خود را به «ماهیت استثنایی قرارداد داوری» اختصاص دهند (Brekoulakis, 2007, p. p. 361). از جنبه قراردادی، شرط ضمن عقد یا قرارداد داوری از قواعد عمومی قراردادها تبعیت می‌کند. به عنوان مثال در فرض اهلیت طرفین قرارداد، توافقنامه داوری بی‌اعتبار و باطل است.

به نظر می‌رسد شرط لزوم قابلیت داوری موضوع، از بدیهیات حقوق قراردادی است. نمی‌توان توافق راجع به موضوعی را که قابلیت داوری ندارد صحیح دانسته و برای آن اعتبار حقوقی قائل شد. به موجب دیدگاه رایج، عدم قابلیت داوری موضوع



قرارداد منجر به عدم اعتبار توافقنامه داوری می‌شود (Hanotiau, 1996, p. 391). این نظر مبتنی بر آنست که داوری پذیری و ممنوعیت ارجاع دعاوی به داوری از شروط اعتبار قرارداد تلقی شده و نهایتاً منجر به عدم اعتبار آن شود. از سوی دیگر نمی‌توان به استناد ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی، داور را از اظهارنظر نسبت به صلاحیت خود منع و داوری را منوط به اظهارنظر دادگاه کرد. در مرحله پیش از صدور رأی، مرجع قضایی صرفاً می‌تواند شروط لازم جهت اعتبار اصل قرارداد داوری را بررسی کند. پس از صدور رأی طرفین می‌توانند ابطال رأی صادره را به دلیل خروج موضوعی اختلاف یا عدم قابلیت داوری از دادگاه تقاضا کنند؛ لذا دادگاه زمانی می‌تواند در جایگاه اظهارنظر نسبت به داوری پذیری موضوع قرار گیرد که این امر به عنوان اقدامی تبعی از دادگاه درخواست شده باشد. بر این اساس اصولاً داور می‌تواند نسبت به صلاحیت خود تصمیم گرفته و در نتیجه داوری کند، مگر آنکه پیش از آن پرونده جهت رسیدگی به اصل موافقتنامه داوری، به دادگاه ارجاع شده باشد؛ لذا همانطور که برخی حقوقدانان تلویحاً اشاره کرده‌اند در صورتی که راجع به «اصل» قرارداد داوری اختلافی نباشد، می‌بایست داور را در تعیین محدوده مأموریت خود صالح دانست (همان، ص ۵۵۹).

۵. نتیجه گیری

رویه قضایی آمریکا در دعاوی تجاری اغلب واژه‌های داوری پذیری و صلاحیت را به جای یکدیگر در جهت تعیین دعاوی قابل رسیدگی به وسیله داوری، استعمال می‌کنند. دادگاه‌های این کشور آن چیزی را که در دیگر کشورها تحت عنوان صلاحیت بررسی می‌شود، ذیل عنوان داوری پذیری بحث می‌کنند. اصل استقلال شرط داوری در حقوق این کشور به موجب پرونده «پریم پینت» پذیرفته شده است؛ اما زمانی که این اصل در داوری پذیری مدنظر قرار می‌گیرد به دنبال پاسخ به سؤال در خصوص مرجع صالح راجع به شمول توافق طرفین نسبت موضوع اختلاف می‌باشیم. اصل استقلال

شرط داوری به داوران صلاحیت اظهارنظر راجع به این موضوع و همچنین موضوعات قابل داوری، اعطا می‌کند. اصل «صلاحیت بر صلاحیت» که با اصل استقلال شرط داوری حمایت می‌شود به مرجع داوری اختیار می‌دهد تا نسبت به ایراد به صلاحیت داور ناشی از اعتبار و قلمرو موافقتنامه داوری اظهارنظر کند. گرچه قانون داوری فدرال صراحتاً به اصل صلاحیت بر صلاحیت تصریح نکرده اما بررسی رویه قضایی آمریکا مبین آن است که دادگاه‌های این کشور برخی اختیارات خاص مراجع داوری در تعیین صلاحیت خود را تصدیق کرده‌اند. همچنین اکثریت دادگاه‌های ایالتی نوعی استقلال شرط داوری را قبول داشته و این امر در رویه قضایی دادگاه‌های ایالتی مشهود است. با این وجود به موجب قانون داوری متحدالشکل که الگوی قوانین ایالتی بوده و مبتنی بر رویه قضایی این کشور است در صورتی که توافقی راجع به داوری پذیرفته وجود نداشته باشد، رفع اختلاف راجع به وجود قرارداد داوری و همچنین شمول موضوع در قرارداد داوری، اصولاً در صلاحیت دادگاه است. در حقوق ایران بند ۱ ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران ضمن پذیرش اصل استقلال شرط داوری مقرر داشته که داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند. در داوری داخلی ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی رفع اختلاف راجع به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری را در صلاحیت دادگاه دانسته است. در خصوص امکان استناد به ظاهر ماده مزبور اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند ماده مزبور صرفاً اظهارنظر نسبت به اصل «معامله» یا «قرارداد راجع به داوری» را در صلاحیت دادگاه دانسته حال آنکه ایراد به صلاحیت داور و داوری پذیرفته، موضوع ایراد به اصل قرارداد داوری محسوب نمی‌شود.

گرچه اجماع حقوقدانان داخلی مؤید امکان اظهارنظر داوران نسبت به صلاحیت خود است، اما در این خصوص راه حلی جامع در رد ظاهر ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی ارائه نشده است. توجه به ظاهر ماده مزبور مؤید آنست که در فرض



عدم وجود توافق صریح یا ضمنی، نمی‌توان قائل به صلاحیت داور در تعیین صلاحیت خود شد. این وجود تحلیل فروض مختلف ارجاع پرونده به مرجع قضایی مؤید آنست که در مرحله پیش از صدور رأی داور، مرجع قضایی اختیار اظهارنظر راجع به اعتبار اصل قرارداد داور را ندارد، مگر آنکه این امر به تبعیت از موضوعی دیگر از دادگاه درخواست شده باشد. پس از صدور رأی، طرفین می‌توانند ابطال رأی صادره را به دلیل خروج موضوعی اختلاف یا عدم قابلیت داور از دادگاه تقاضا کنند؛ لذا در صورتی که راجع به اصل قرارداد راجع به داور اختلافی نباشد، می‌بایست داور را در تعیین محدوده مأموریت خود صالح دانست. همچنین در راستای ترک ظاهر ماده مذکور در فرض اختلاف، می‌توان امکان اظهارنظر داور نسبت به صلاحیت خویش را مبتنی بر قصد ضمنی طرفین مورد تأیید قرار داد. با این وجود، تشتت آراء در این خصوص و لزوم ایجاد رویه واحد مستلزم اصلاح قانون همسو با قانون داور تجاری بین‌المللی یا ورود رویه قضایی در تفسیر ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی و ذکر مصادیق آن است.

۶. منابع

۱-۶. فارسی

۱-۱-۶. کتب

۱. حبیبی مجنده، محمد، داور پذیر پذیر اختلافات ناشی از حقوق مالکیت معنوی، مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داور در حقوق ایران، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.
۲. خدابخشی، عبدالله، حقوق داور و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳.

۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
۴. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج سوم، چاپ هشتم، انتشارات دراک، ۱۳۸۶.
۵. شهبازی نیا، مرتضی، داوری و انصاف، مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.
- ۶-۱-۲. مقالات
۶. اسکینی، ربیعا، «مبانی نظری اصل استقلال موافقتنامه داوری از قرارداد اصلی در حقوق تطبیقی»، نامه مفید، شماره ۴۳، ۱۳۸۳.
۷. جعفریان، منصور، «دو پژوهش حقوق: تأملاتی بر لایحه داوری تجاری بین المللی (۱)»، مجلس و راهبرد، ۱۳۷۳.
۸. جنیدی، لعلیا و غیاثوند قزوینی، نسترن، داوری پذیری در نظام حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی، حقوق تطبیقی، ش ۱۰۸، ۱۳۹۶.
۹. شهبازی نیا، مرتضی، بازگیر، سعید، «نظم عمومی و نقش آن بر امور شکلی داوری»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۳، ۱۳۹۴.
۱۰. شمس، عبدالله، «موافقتنامه داوری و صلاحیت دادگاه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۷، ۱۳۸۲.
۱۱. ریسی، مریم و ساعدی، بهزاد، «استقلال شرط داوری در قراردادهای تجاری بین المللی»، تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۱۹، ۱۳۹۲.
۱۲. قاسمی، ولی، «بررسی تطبیقی قاعده صلاحیت بر صلاحیت در حقوق داوری تجاری بین المللی ایران و انگلیس»، مطالعات حقوقی، شماره ۵، ۱۳۹۵.
۱۳. مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، «آثار استقلال شرط داوری»، اقتصاد: نامه اتاق بازرگانی، ش ۴۹۵، ۱۳۸۸.



۲-۶. انگلیسی

۱-۲-۶. کتب

14. American Arbitration Association, Handbook on Commercial Arbitration, Juris, New York, 2th edition, 2010.
15. Born, G, "International Commercial Arbitration", Kluwer Law International, 2009.
16. Brunet, E & Et al, "Arbitration Law in America: A Critical Assessment", Cambridge University Press, 2006.
17. Carter, J & Fellas, j, "International Commercial Arbitration in New York", Oxford University Press, 2010.
18. Carbonneau, T, "Carbonneau on Arbitration: Collected Essays", USA, Juris, 2010
19. Carbonneau, T, " Law and Practice of Arbitration", 5th edition, USA, Juris, 2012
20. Carbonneau, T, "Case and Materials on the Law and Practice of Arbitration", Thomson/West, 2007
21. De Oliveira, L, A Comparative Study of Arbitrability of Disputes in Brazil and England: Is There Room For Uniformity?. Doctoral Thesis, University of Essex, 2014
22. Fraimane, N, Arbitrability: problemotic Issues of The Legal Term, Masrers Thesis, Riga Graduate School of Law, 2012.
23. Frommel, S. Rider.B et al, Conflicting Legal Cultures in Commercial Arbitration. Old Issues and New Trends, Netherland, Kluwer Law International, 1999.
24. Gaillard, E & Savage, J, Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration, Netherlands, Kluwer Law International, 1999.
25. Graves, J & Davydan, Y, "Competence-Competence and Separability American Style", published as Chapter 8 in Kroll, "International

Arbitration and International Commercial Law: Synergy, Convergence and Evolution Chapter”, Kluwer Law International, 2011.

26. Jones, D, “Insolvency and Arbitration: an Arbitral Tribunal’s Perspective”, 78 *Arb. (Arbitration)* 2, 2012
27. Kwaru, A, ‘Arbitral Jurisdiction, New Zealand Universities Law Review, Vol. 23, 2008
28. Kronke, H & et al, “Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards: A Global Commentary on the New York Convention”, Netherland, Kluwer Law International, 2010
29. Kwaru, A, ‘Arbitral Jurisdiction, New Zealand Universities Law Review, Vol. 23, 2008
30. Lehman, M, "A Plea for a Transnational Approach to Arbitrability in Arbitral Practice", *Columbia Journal of Transnational Law*, volum 42, 2004
31. Mistelis, L & Lew, J, *Pervasive Problems in International Arbitration*, Netherlands, Kluwer Law International, 2006.

۲-۲-۶. مقالات

33. Park, W, “The Arbitrator’s Jurisdiction to Determine Jurisdiction”, Montreal, 13 ICCA Congress Series 55, 2006
34. Reisberg, S, “The Rules Governing Who Decides Jurisdictional Issues: First Options v. Kaplan Revisited”, vol 20, the American Review on International Arbitration, 159, 2009.

۳-۶. نشانی‌های اینترنتی و آراء

35. Buckeye Check Cashing, Inc. v. Cardegna 546 U.S. 440 (2006). Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/546/440/>
36. First Options of Chicago, Inc. v. Kaplan. 514 U.S. 938 (1995). Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/514/938/>.



37. Green Tree Financial Corp. V. Bazzle (02-634) 539 U.S. 444 (2003). Available at: <https://www.law.cornell.edu/supct/html/02-634.ZO.html>.
38. Howsam v. Dean Witter Reynolds, Inc. 537 U.S. 79 (2002). Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/537/79/case.html>.
39. Old Republic Ins. Co. v. Lanier, 644 So. 2d 1258 (Ala. 1994). <https://www.courtlistener.com/opinion/1660290/old-republic-ins-co-v-lanier/>
- Pacificare Health Systems, Inc. v. Book 538 U.S. 401 (2003). Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/538/401/>
40. Rent-A-Center, West, Inc. v. Jackson 561 U.S. 63 (2010) Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/561/63/>
41. Will- Drill Resources, Inc. v. Samson Resources Co., 352 F.3d 211 (5th Cir. 2003). Available at: <http://caselaw.findlaw.com/us-5th-circuit/1173613.html>.
42. <https://www.adr.org/sites/default/files/Commercial%20Rules.pdf>